

«محمد دلاوری» این روزها چه می کند؟

صرفاً جهت اطلاع!



۱۶

برانکو برای بازی در نیمه نهایی آسیا فقط دو مدافع دارد

پرسپولیس، بدون سد مقابل السد



۱۷

دکتر سید آیت حسینی، استاد زبان ژاپنی دانشگاه تهران از وضعیت ادبی این کشور پس از جنگ دوم جهانی می گوید

ادبیات مقاومت ژاپنی زیر تیغ سانسور آمریکایی



۱۴



قدس راهکارهای پخش بین‌المللی فیلم‌های دفاع مقدس را در گفت‌وگو با دو تهیه‌کننده بررسی می‌کند

چرا مردم آلمان و فرانسه ندانند؟



شبه ۲ مهر ۱۳۹۷
۱۹ مهر ۱۳۹۷
۲۹ سپتامبر ۲۰۱۸ | سال سوم و پنجم
شماره ۸۷۹۲
ZENDR@QUTDSO.NLINE.IR

تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸ | فکس: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸ | پست: ۱۹۷۹۵ تهران

خط قرمز

حوادث ایران

کلاهبرداری عاشقانه در پوشش دانشمند هسته‌ای!



شش‌هفته‌نیز، معاون مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی تهران بزرگ از دستگیری متهمی خبر داد که در پوشش عناوین دولتی و علمی، با دادن پیشنهاد سرمایه‌گذاری در بازار خودرو، اخذ اقامت در کشورهای اروپایی و وعده ازدواج، اقدام به کلاهبرداری از خانم‌های جوان و خانواده‌های آن‌ها کرده بود.

سررنگ جهانگیر تقی پور گفت: نهم مرداد ماه گذشته پرونده‌ای به اداره سیزدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ ارجاع شد که در آن خانم جوانی حدود ۳۰ ساله مدعی شد از سوی مردی مورد کلاهبرداری قرار گرفته است.

شاکتی به ما مأمور گفت: از طریق یک شبکه اجتماعی با شخصی به نام علیرضا آشنا شدم که مدعی بود دارای اقامت دائم در کشور آمریکا است و همچنین دانشمند فیزیک هسته‌ای است. او همچنین مدعی بود که به جهت انجام پروژه‌های تحقیقاتی به ایران دعوت شده است. کمی بعد چند بار حضوری با هم ملاقات داشتیم. به همین واسطه به او علاقه‌مند شدم و او هم به من پیشنهاد ازدواج داد. به این بهانه مرد کلاهبردار وارد جمع خانواده‌ام شد و با نشان دادن ظاهری آراسته و بسیار موجه توانست اعتماد اعضای خانواده‌ام را نیز جلب کند. شاکتی پرونده در خصوص نحوه کلاهبرداری علیرضا از او و خانواده‌اش هم گفت: پس از جلب اعتماد، روزی علیرضا مدعی شد که به واسطه ارتباطاتی که با برخی مدیران رده بالا پیدا کرده، می‌تواند با شرايطی ویژه اقدام به خرید خودرو از شرکت‌های خودروسازی برای من و اعضای خانواده‌ام کند. ما هم بیش از ۱۰۰ میلیون تومان به عنوان ثبت‌نام اولیه برای سفارش خودرو به علیرضا پرداخت کردیم، اما با گذشت چند روز، ناگهان گوشی تلفن همراه او خاموش شد و ما دیگر از وی هیچ اطلاعی نداریم.

طی این مدت تصور ما این بود که به خاطر حساسیت پروژه تحقیقاتی که علیرضا از آن صحبت کرده بود تلفن همراهش خاموش است، اما یک شب زمانی که من و مادرم برای رفتن به میهمانی قصد استفاده از طلا و جواهراتمان را داشتیم متوجه شدیم که تمامی آن‌ها سرقت شده و آن زمان بود که فهمیدیم او علاوه بر کلاهبرداری ۱۰۰ میلیون تومانی همه طلاهای من و دیگر اعضای خانواده‌ام را سرقت کرده است.

تحقیقات پلیسی نشان می‌داد که علاوه بر تهران، در شهرهای مشهد، اصفهان و کرمان نیز دقیقاً به همین شکل کلاهبرداری صورت گرفته است. کارآگاهان با انجام اقدامات ویژه پلیسی سرانجام مخفیگاه کلاهبردار ۲۸ ساله را در شهرستان محمودآباد شناسایی و او را دستگیر کردند. متهم پس از دستگیری بصرحت به دهه‌افقره کلاهبرداری در شهرستان‌های مختلف به شیوه و شگرد فوق‌العاده اعتراف کرد و مدعی شد طعمه‌هایش را از سایت‌های همسرایی و شبکه‌های اجتماعی انتخاب می‌کرده است. سررنگ کارآگاه جهانگیر تقی پور، معاون مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی تهران بزرگ در ادامه گفت: تحقیقات جهت شناسایی دیگر شکات و مالباختگان در دستور کار اداره سیزدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفته است.

رئیس اداره اجتماعی پلیس فتا خبر داد

افزایش کلاهبرداری در سایت‌های دیوار و شیپور

کلاهبرداران به سایت‌های دیوار و شیپور، تماس با کسانی که قصد فروش اجناس به صورت عمده را دارند، فروش اجناس دزدی در بستر دیوار که می‌تواند سبب بروز مشکلات قضایی و نیز شکیبای شرعی بسیاری برای افراد شود و نیز انتشار آگهی با عنوان درخواست مشارکت در شرکت سرمایه‌گذاری معتبر را از جمله کلاهبرداری‌های انجام شده در این سایت‌ها برشمرد.

مشابه آن براهتی اعتماد نکرده و مراقبت‌های احتیاطی و امنیتی لازم را در نظر بگیرند. این مقام انتظامی ادامه داد: شهروندان پس از انتخاب کالا یا خدمات در سایت‌های واسطه‌گر اینترنتی و قبل از هرگونه واریز وجهی، از کم و کیف خدمات یا کالا و نیز هویت فروشنده مطلع‌گشته و از واریز هرگونه وجهی حتی مبالغ کم به عنوان بیعانه خودداری کنند.

سررنگ پاشایی، آگهی کردن خود را با قیمت پایین‌تر از عرف بازار، مراجعه به بزرگ‌ترین مراکز خرید و بررسی قیمت‌ها و مقایسه آن با قیمت‌های اعلام شده در سایت‌های دیوار و شیپور، واریز آنلاین وجه باشند چرا که فرد کلاهبردار به محض واریز وجه به حسابش، دیگر پاسخگوی تماس‌های خریدار نخواهد بود.

رئیس اداره اجتماعی پلیس فتا ناجا در پایان از شهروندان خواست در صورت اطلاع از هرگونه فعالیت مجرمانه در فضای مجازی مراتب را از طریق نشانی پلیس فتا به آدرس www.cyberpolice.ir بخش مرکز فوریت‌های سایبری، یا ما در میان بگذارند.

وی به شهروندان توصیه کرد: مراقب آگهی‌های فروش کالا بر روی سایت‌های مشابه آن براهتی اعتماد نکرده و مراقبت‌های احتیاطی و امنیتی لازم را در نظر بگیرند.

وی افزود: مردم باید پلیس خود باشند و هنگام مراجعه به سایت دیوار و نمونه‌های مشابه آن براهتی اعتماد نکرده و مراقبت‌های احتیاطی و امنیتی لازم را در نظر بگیرند.

دختر جوانی که به بینی اش ژل تزریق کرده بود با تغییر فرم دماغش روبه‌رو شد



در ادامه پرونده به شعبه ۲۰۲ دادسرای مشهد ارجاع و روی میز بازپرس شرقی شهری قرار گرفت. قاضی پرونده پس از مطالعه محتویات پرونده از کارشناسان هیئت بدوی انتظامی سازمان پزشکی مشهد می‌خواهد تا موضوع را بررسی و میزان تقصیر را در این ماجرا مشخص کنند.

چند روز بعد هیئت مذکور تشکیل جلسه می‌دهد و نهایتاً در پایان بررسی‌های کارشناسی، ۵۰ درصد پزشک و ۵۰ درصد هم‌دختر جوان را مقصر اعلام می‌کنند.

به نفش شده بود و تا بینه‌اش را در آینه نمی‌دید از خانه خارج نمی‌شد. چند روز اول از همه چیز راضی بود و حتی دوستانش هم زیبایی دماغ او را تحسین می‌کردند، اما این شادمانی به دراز نکشید و کم‌کم قسمتی از بینی که به آن ژل تزریق شده بود تغییر شکل داد و فرم بینی دختر جوان به هم خورد. همین اتفاق موجب شد که او دیگر روی از خانه خارج شدن را نداشته باشد، بینی که قرار بود سبب اعتماد

همدمش شده بود و تا بینه‌اش را در آینه نمی‌دید از خانه خارج نمی‌شد. چند روز اول از همه چیز راضی بود و حتی دوستانش هم زیبایی دماغ او را تحسین می‌کردند، اما این شادمانی به دراز نکشید و کم‌کم قسمتی از بینی که به آن ژل تزریق شده بود تغییر شکل داد و فرم بینی دختر جوان به هم خورد. همین اتفاق موجب شد که او دیگر روی از خانه خارج شدن را نداشته باشد، بینی که قرار بود سبب اعتماد

همدمش شده بود و تا بینه‌اش را در آینه نمی‌دید از خانه خارج نمی‌شد. چند روز اول از همه چیز راضی بود و حتی دوستانش هم زیبایی دماغ او را تحسین می‌کردند، اما این شادمانی به دراز نکشید و کم‌کم قسمتی از بینی که به آن ژل تزریق شده بود تغییر شکل داد و فرم بینی دختر جوان به هم خورد. همین اتفاق موجب شد که او دیگر روی از خانه خارج شدن را نداشته باشد، بینی که قرار بود سبب اعتماد

همدمش شده بود و تا بینه‌اش را در آینه نمی‌دید از خانه خارج نمی‌شد. چند روز اول از همه چیز راضی بود و حتی دوستانش هم زیبایی دماغ او را تحسین می‌کردند، اما این شادمانی به دراز نکشید و کم‌کم قسمتی از بینی که به آن ژل تزریق شده بود تغییر شکل داد و فرم بینی دختر جوان به هم خورد. همین اتفاق موجب شد که او دیگر روی از خانه خارج شدن را نداشته باشد، بینی که قرار بود سبب اعتماد

مشهد مقدس می‌زند و با هماهنگی مقام قضایی او را که قصد خروج از کشور داشت دستگیر و به پلیس آگاهی استان تهران منتقل کردند. این مقام انتظامی افزود: وی که در ابتدا قصد منحرف کردن مسیر تحقیقات مأموران را با ارائه هویت جعلی داشت، در نهایت پس از مواجهه با ادله محکم پلیسی به ۱۶۰ فقره کلاهبرداری به بهانه تهیه ویزای کانادا به ارزش بیش از ۶۹ میلیارد ریال اعتراف کرد.

استان قرار گرفت. فرمانده انتظامی شرق استان تهران افزود: با تحقیقات میدانی پلیس مشخص شد متهم با استفاده از وعده‌های فریبنده به تهیه ویزای خانوادگی کشور کانادا، اقدام به کلاهبرداری از افرادی در سراسر ایران کرده و در حال حاضر متواری است.

سردار عبدالرضا نظاری در تشریح جزئیات این خبر اظهار داشت: در پی طرح شکایت فردی مبنی بر وقوع یک فقره کلاهبرداری به بهانه تهیه ویزای کانادا، بلافاصله بررسی موضوع در دستور کار مأموران پلیس آگاهی

باشگاه خبرنگاران: فرمانده انتظامی شرق استان تهران از دستگیری یک زن تبعه بیگانه با بیش از ۶۹ میلیارد ریال کلاهبرداری به بهانه تهیه ویزای کانادا خبر داد. سردار عبدالرضا نظاری در تشریح جزئیات این خبر اظهار داشت: در پی طرح شکایت فردی مبنی بر وقوع یک فقره کلاهبرداری به بهانه تهیه ویزای کانادا، بلافاصله بررسی موضوع در دستور کار مأموران پلیس آگاهی

۱۶۰ کلاهبرداری با وعده اقامت کانادا!

حوادث جهان

زمین لرزه‌های پی در پی «حلقه آتش» را لرزاند

اندونزی: چندین زمین‌لرزه مناطقی در کشور زلزله‌خیز اندونزی معروف به «حلقه آتش» را لرزاند. سه زمین‌لرزه نسبتاً قدرتمند روز گذشته در بار دیگر مناطقی در



اندونزی را لرزاند. این زمین‌لرزه‌ها در منطقه موسوم به «حلقه آتش» به وقوع پیوست. این منطقه به دلیل وجود شمار زیاد زمین‌لرزه‌ها و کوه‌های آتشفشانی به این نام معروف شده است. هنوز از میزان خسارت‌های جانی و مالی احتمالی گزارشی مخابره نشده است. اندونزی در تابستان امسال نیز زمین‌لرزه‌های مکرری را تجربه کرده، به طوری که بیش از ۵۰۰ نفر جان خود را از دست داده و بیش از ۳۹۰ هزار نفر آواره شده‌اند. (فارس)

ردپای آزار جنسی در سنا

آمریکا: یکی از زنانی که مدعی شده، نامزد عضویت در هیئت قضات دیوان عالی آمریکا سال‌ها پیش او را مورد آزار جنسی قرار داده است در مجلس سنا علیه او شهادت داد. «برت کاونان»، که از سوی «ونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا به عنوان نامزد عضویت در دیوان عالی آمریکا انتخاب شده توسط سه زن به رفتارهای نامناسب جنسی متهم شده است. «کریستین بلای فورد» استاد روان‌شناسی دانشگاه «پالواتو» اولین زنی بود که کاونان را به رفتار نامناسب جنسی متهم کرده است و در جریان یک جشن در مدرسه‌ای در سال ۱۹۸۲ مورد آزار از سوی نامزد عضویت در دیوان عالی آمریکا قرار گرفته است. این در حالی است که کاونان این اتهامات را رد کرده است. کاونان و فورد هر دو، روز پنجشنبه در جلسه‌ای در کمیته قضایی مجلس سنا شهادت داده و از خودشان دفاع کردند. برخی از نمایندگان جمهوریخواه در مجلس سنا، بعد از مطرح شدن این اتهامات علیه «کاونان» هنوز درباره دادن رأی مثبت به او مردد هستند. استماع روز پنجشنبه نتیجه تأیید صلاحیت کاونان در مجلس سنا را مشخص خواهد کرد. «فورد» در بیانیه آغازین خود گفت: زمانی که در دبیرستان بوده‌اند این اتفاق رخ داده است. او گفت بعد از افشای نامش در رسانه‌ها، او و خانواده‌اش به طور مستقیم هدف آزار و تهدید به قتل قرار گرفته‌اند و مجبور شده است به همراه همسرش خانه را ترک کند و در منطقه‌ای امن زندگی کنند. (فارس)

پیشنهادسفر

پاییز، وقت زرشک‌خوران



عکس: سید ایمان سجادی

حسین رسول‌زاده: «بار درختی است معروف که در طعام‌ها کنند و خورند. میوه‌ای است خوش و ترش که از آن آش سازند، مرحوم دهخدا در لغتنامه گرانسنگش، زرشک را میوه‌ای می‌داند که از آن چاشنی غذا و البته آش می‌پزند. از آن جایی که در سنت غذایی پدران و مادران ما رسم بوده که هر خوراکی را در فصلش بخورند تا از خواص آن بهره کافی گرفته شود؛ می‌شود میوه‌ها و آبان‌ماه را ماه‌های زرشک‌خوران هم دانست؛ دوامی که می‌شود در آن، زرشک تازه خورد. در طب ایرانی زرشک، صاف‌کننده خون و متعادل‌کننده طبع است. به باور پیشینیان، خوردن زرشک در پاییز سبب صافی خون و شست‌وشوی داخل بدن خواهد شد.

✦ زرشک تازه، چاشنی غذا

باید دستی به آشپزی داشته باشید تا بدانید که با محصول خوش آب و رنگ و خوش طعمی مثل زرشک، می‌شود هزار و یک غذا را خوشمزه‌تر پخت. کوکو سبزی معمول مامان‌پیز، با اضافه شدن دانه‌های سرخ‌رنگ زرشک، طعم متفاوتی پیدا می‌کند و سوپ رشت‌های که هفته‌ای چند بار در سفره حاضر است، با چند دانه از زرشک‌های پر آب، می‌تواند سلیقه غذایی همه اعضای خانواده را تأمین کند. برای همین است که هر سال، وقتی فصل برداشت زرشک می‌رسد، کدبانوها، به اندازه مصرف یک سالشان، زرشک تازه می‌خرند. زرشک تازه البته همیشه مشتری‌های خودش را دارد؛ میوه‌ه که در این سال‌ها، یخچال‌های خانگی امکان فریز کردن محصولات تازه را فراهم کرده است. خانم‌های کدبانو، بویژه در سال‌های اخیر، خوراکی‌های فراوانی را با چاشنی زرشک تازه می‌پزند. علاوه بر این، زرشک‌های فریزشده، در ماه‌های گرم سال، می‌تواند خوردنی ترش و شیرین و خوش‌مزهای باشد که همراه بستنی و شربت مصرف می‌شود. همچنین، هستند خانم‌هایی که ترجیح می‌دهند پلوی دست‌پختشان را نه با زرشک‌های خشکیده بلکه با زرشک آبدار تزیین کنند.

✦ آب زرشک؛ ترش و خوش طعم

در بسیاری از روستاهایی که زرشک کاشته می‌شود، آب زرشک هم چاشنی ترش بسیاری از غذاهاست.

آب زرشک معمولاً از زرشک‌های تازه به دست می‌آید. هرچند از زرشک خشک هم می‌شود، آب زرشک تهیه کرد. برای این کار باید زرشک خشک را یک شبانه روز پر آب، بخیسانید و بعد آب و زرشک‌ها را یک جا در مخلوط کن بریزید و صاف کنید. مایع به دست آمده نوشیدنی گوارای بی‌مانندی است که می‌تواند چاشنی ترش انواع غذاها باشد. علاوه بر این، آب زرشک نوشیدنی مناسبی برای کاهش وزن و کاهش چربی خون هم هست که البته حتماً باید با نظر پزشک، مصرف شود.

✦ دسر شور و ترش زرشکی

از زرشک تازه سالاد هم می‌شود درست کرد؛ هر چند افزودن زرشک به هر سالادی، می‌تواند آن را خوشمزه‌تر کند. برای تهیه سالاد، می‌توانید نخود، ذرت یا عدس پخته سرد را با مقداری نعناي تازه خرد شده مخلوط کنید و برش‌های ظرف پياز را هم به آن اضافه کنید. روغن زیتون هم می‌تواند به کامل شدن سالاد کمک کند. زرشک تازه را هم آخر کار به سالاد اضافه کنید و ببینید چه ترکیب خوشمزه‌ای می‌شود؛ سالادی که می‌توان آن را به جای یک وعده غذا هم مصرف کرد. این سالاد با استفاده از کنسرو نخود پخته در پنج دقیقه آماده می‌شود و به کار جماعت کم وقت هم می‌آید. اما دسر ترش و شور متفاوتی هم می‌شود از زرشک تازه ساخت. برای این کار، مقداری زرشک تازه را در یخچال بگذارید تا منجمد شود. زرشک‌های یخ زده را در بستنی‌خوری بریزید، می‌شود روی آن‌ها اندکی نمک و گلپر هم ریخت تا طعم ترش و شور دسر را کامل کند.

✦ آش زرشک، آش خراسانی

در خراسان که قهرست بلندبالایی از آش‌ها دارد، آش زرشک هم آش متداول است. آش زرشک، مجموعه‌ای از سبزی‌ها و حبوبات است که با آب زرشک یا زرشک تازه می‌پزد.

مادرها و مادربزرگ‌ها، سبزی آش را یعنی تره، جعفری، شنبلیله و اسفناج را پاک کرده و خرد می‌کنند و همراه یکی دو پیمانه برنج یا بلغور، می‌گذارند بجوشد. برنج یا بلغور که پخت و لعاب پس داد، پياز تفت داده شده و ادویه را به آن اضافه می‌کنند. سپس قدری گلپر نرم هم در آش ریخته نمناع داغ را آماده می‌کنند تا آن را روی آش بریزند. آب زرشک یا زرشک تازه در آخرین مرحله به آش اضافه می‌شود. آش زرشک، می‌تواند حیوانات هم داشته باشد. مادرها و مادرزدرگ‌ها برای این‌کار، حیوانات را جداگانه می‌جوشانند و هنگامی که برنج یا بلغور لعاب داد، حیوانات را به آش اضافه می‌کنند. این آش، معمولاً با نعناداغ فراوان خورده می‌شود تا سردی زرشک را کم کند.

|مردم|
حسن احمدی فرد |
حالا که این مطلب را می‌خوانید، پیرمردی که در عکس‌هاست، درگذشته است؛ هرچند او در عکس‌هایش همچنان زنده است و قصه‌ای که یک روز پاییزی، برای ما از پیشه‌آبا و اجدادی‌اش گفت. قصه او، قصه همه کشاورزهایی است که از خاک تفتیده حاشیه کویر، رزق حلال شان را برداشت می‌کنند. خوانندگان این گزارش، او را به قرائت فاتحه‌ای، میهمان کنند.

«سید صادق سجادی»، باغدار است. باغ او البته با تعریفی که از باغ‌های سرسبز و خرم در ذهن داریم، تفاوت دارد. روستای آبا و اجدادی حاج صادق در دل بیابان‌های خشک و پرت افتاده حاشیه کویر قرار گرفته است؛ جایی که سفره آسمان آن قدرها گشاده نیست و زمین، لب‌های خشک‌پنده‌ای دارد. باغ او، ردیف بی‌پایان بوته‌ها و درختچه‌هایی است که حالا در اول پاییز، انگار به گل نشسته باشند شاخه‌های یکدست سرخ‌شان را به هر سویی دوندانند. پشت این سرخی خوش‌رنگ اما خشکی خاک، جا خوش کرده است. باغ حاج صادق، آن‌قدرها سبزی ندارد. نه از درخت‌های تنومند سایه دار خیری است و نه از علف‌های بلند که بوی سبزی و خنکی را در هوا می‌پراکنند. کویر انگار بخواهد حضور مقتدرانه‌اش را یادآوری کرده باشد، حتی این جا در دل باغ‌های منطقه هم خودش را به رخ می‌کشد. سبزی مختصر بوته‌ها، این جا، زیر بیرنگی از خاک، پنهان شده است. خاک این جا اما مهربان است و سخاوتمند؛ آن چه در این خاک به عمل می‌آید را در کمتر خاک بارآوری می‌توان سراغ گرفت. خاک خشک حاشیه کویر، هدیه‌اش را با به شکل گل‌های بنفشی نشان می‌دهد که کلاله‌های خوش‌عطر آن، آشنای دیرینه این جغرافیاست و زعفران نام دارد؛ و یا به شکل شاخه‌های به خوشه نشسته‌ای که میوه‌های ریزریز ترش و پرابش، سال‌هاست طعم آشنایی در سفره ایرانی‌ها دارد. باغ حاج صادق، میزبان همین شاخه‌های به خوشه نشسته است. باغ حاج صادق، زرشک زاری است از انبوه زرشک زارهای قاینات.

✦ پاجوش‌ها، قنطاق می‌شوند

قائنات نزدیک ۴۰۰ روستای کوچک و بزرگ دارد. روستای «وزق» هم یکی از همان‌هاست؛ روستایی کوچک در نزدیکی شهر سده(ارین‌شهر) که روزگاری بسپار آبادتر از امروز بوده است. دو امامزاده، یک قلعه تاریخی و چندین قنات، نشان می‌دهد که روستای پرت افتاده‌وزق، روزگاری، آبادی پررونقی بوده است. عمده محصولات زراعی در وزق، مثل همه قاینات، یا زعفران است؛ با عنایب و یا زرشک. در خاک خشک‌یه حاشیه کویر، افراهای شیرینی هم به عمل می‌آید و الوهای آبدار. قنات‌های منطقه همچنان مختصر آبی دارند و روش‌های نوین آبیاری و باغداری هم به کمک آمده تا کشت و کار در این بیابان‌های کم آب، بیشتر و بهتر از گذشته انجام شود. به مدد همین شویه‌هاست که زرشک کاری در این سال‌ها در همه قاینات رونق بیشتری گرفته است. باغ‌های وزق هم عمدتاً، باغ‌های زرشک، آن هم زرشک بدون دانه، است. حالا سال‌هاست که در همه دشت و دامنه‌ها می‌شود ردیف بوته‌ها و درختچه‌های زرشک را دید که پهلو به پهلو می‌داده‌اند تا یکدستی خاکی رنگ مناظر منطقه را به سبزی و سرخی، میهمان کنند.

کشاورزها نهال‌های زرشک را یا درنهالستان‌ها تهیه می‌کنند یا خودشان در باغ‌هایشان تولید می‌کنند. بهترین راه تکثیر درخت زرشک استفاده از پاجوش‌هاست. کشاورزان از آذرماه تا نیمه دوم اسفند، یعنی بعد از برگ ریزان تا هنگام بیداری درختچه‌ها، پاجوش‌های دوساله را از بیخ درخت

با ریشه می‌کنند و در زمین مساعد می‌کارند. کشاورزهای قاینی روش دیگری هم برای تکثیر درختچه‌های زرشک دارند. آن‌ها پاییز که می‌شود،

شاخه‌های بلند و جوان زرشک را در خاک می‌خوابانند. شاخه‌ها دو تا سه ماه بعد، در اسفندماه آماده جدا شدن هستند.

ریشه زرشک در برابر هوا حساس است. کشاورزها وقتی پاجوش‌ها یا شاخه‌های خوابانده را از زمین در می‌آورند، آن‌ها را بلافاصله در جایی که از قبل آماده کرده‌اند، می‌کارند یا با اندکی خاک در کیسه‌های کوچک پلاستیک می‌پیچانند تا در موعد مناسب بکارند. کشاورزهای قاینات به این‌کار، «قنطاق کردن» می‌گویند. درختچه‌های باغ حاج صادق، با همین روش‌ها و به دست خودش زیاد شده‌اند.

✦ نهال‌هایی که مثل اولاد آدم هستند

درختچه‌های باغ حاج صادق، مثل دختر و پسرهایش، هر کدام‌شان سستی دارند. ردیف‌های انتهایی باغ، قدیمی‌ترین درختچه‌هاست که پاییز امسال چهارده سالشان شده است. تازه‌ترین درختچه‌ها هم پنج سال دارند و امسال اولین سالی است که به خوشه نشسته‌اند. نهال‌های زرشک معمولاً از چهار یا پنج سالگی محصول داندشان را شروع می‌کنند.

برای درختچه‌های زرشک، همه چیز از بهار شروع می‌شود. اردیبهشت که می‌رسد، درختچه‌های زرشک به گل می‌نشینند. گل‌های زرد زرشک، زیبایی خیره‌کننده‌ای به باغ‌های زرشک می‌دهند. گل‌ها آن قدرها دوامی ندارند، بعد از آن رسیدگی به درختچه‌های زرشک آغاز می‌شود تا خوشه‌های سبزشان، آرام آرام جان بگیرند.

پیرمرد، شب‌ها و روزهای فراوانی را به یاد می‌آورد که در گرمای مردادماه حاشیه کویر، مشغول رسیدگی به باغش بوده است. چیدن علف‌های هرز، قیم گذاشتن برای درختچه‌ها، آبیاری، هرس و بیل

زرشک زارهای قاینات در خراسان جنوبی این روزها به بار نشسته‌اند

خوشه‌های ترش



عکس: سید ایمان سجادی

برش

درختچه‌های باغ حاج صادق، مثل دختر و پسرهایش، هر کدام‌شان سستی دارند. ردیف‌های انتهایی باغ، قدیمی‌ترین درختچه‌هاست که پاییز امسال چهارده سالشان شده است. تازه‌ترین درختچه‌ها هم پنج سال دارند و امسال اولین سالی است که به خوشه نشسته‌اند

زند پای درختچه‌ها، تنها بخشی از کار مداوم در باغ‌های زرشک است. حاج صادق می‌گوید: «نهال‌ها، مثل اولاد آدم هستند. کسی را می‌خواهند که مواظب‌شان باشد و تر و خشک‌شان کنند.» می‌خندد که: «دیدم‌اید مادرها نصف شب از خواب می‌برند تا به نوزادشان شیر بدهند یا تمیزش کنند؟ نهال هم همین است. رسیدگی می‌خواهد. شب و روز هم نمی‌شناسد.» حاج صادق، شب‌های مهتابی را دوست دارد. او می‌گوید: «شب‌ها راحت‌تر می‌شود بیل زد، آب گرفت و کار کرد.»

درختچه‌های زرشک، بسته به فصل بین ۸ تا ۱۲ روز یک بار به آبیاری احتیاج دارند؛ هرچند با آبیاری بسیار کمتر هم، می‌توانند زنده بمانند و محصول بدهند. حاج صادق توضیح می‌دهد که: «قدیم‌ها، آبیگری، کار سختی بود. هر باغ، بسته به ردیف درخت‌هایش، چندین و چند «برق» داشت. برق‌ها مسیر پیمایش آب در کرت یا باغ هستند. برق‌ها را با بیل می‌بستیم و باز می‌کردیم تا سراسر باغ، آب بخورد. حالا کارها راحت‌تر شده است.»

✦ شاخه‌های پر خوشه و پر تیغ

با وجود راحت‌تر شدن کارها، زرشک کاری همچنان، کار سختی به حساب می‌آید؛ بویژه وقتی خوشه‌ها

می‌رسند و آماده برداشت می‌شوند. زرشک‌ها هرچه بیشتر روی شاخه‌ها بمانند، پرت‌آب‌تر می‌شوند؛ البته اگر باران و سرمای پاییزی اجازه بدهد. نیمه دوم مهرماه تا پایان آبان‌ماه معمولاً زمان برداشت محصول است.

شاخه‌های زرشک، خارا‌های سفت و سختی دارند که براحتی می‌توانند پوست دست را بخراشند. برداشت زرشک چندین روش دارد. روش‌هایی مثل ضربه زدن به درختچه‌ها و تکاندن‌شان یا چیدن خوشه‌ها با دست. در قاینات اما متداول‌ترین روش برداشت، چیدن سر شاخه‌هاست. کشاورزها با دستکش‌های ضخیم و قیچی‌های باغبانی، کار برداشت زرشک را آغاز می‌کنند. قدیم‌ها هم که خبری از دستکش‌های ضخیم صنعتی نبوده، کشاورزها با نمدبپج کردن دستشان، سراغ زرشک‌ها می‌رفته‌اند.

حاج صادق می‌گوید: «سرشاخه‌هایی را می‌چینیم که خوشه‌های بیشتری دارند. چیدن سرشاخه‌ها هم مهارت می‌خواهد. شاخه‌ها که چیده بشوند، راحت‌تر می‌شود دانه‌های زرشک را جدا کرد. این بهترین کاری است که می‌شود کرد و الا دانه‌های زرشک، می‌ترکد و محصول از کیفیت می‌افتد.»

چیدن سرشاخه‌ها، عملاً هرس کردن درختچه‌ها هم هست و الا انبوه درختچه‌های درم تپنده زرشک، به هر سویی می‌دود و درختچه‌ها را از تولید محصول مناسب، می‌اندازد. سرشاخه‌ها که چیده می‌شود، کار برداشت زرشک هم آسان می‌شود. حالا نوبت ختم‌های خانواده است تا به کمک بایاند و زرشک‌ها را «پاک» کنند؛ هرچند بسیاری از خانم‌های قاینی در برداشت زرشک هم مشارکت دارند.

حاج صادق توضیح می‌دهد که: «معمولاً از هر چهار

کشاورزان خراسان جنوبی این چند هفته مشغول برداشت محصولاتشان هستند

روز های زرشکی



۳۰ هزار سال تاریخ در پایتخت زرشک



قاینات، نام شهر «قاین» و آبادی‌های اطرافش است. شهرستان قاینات در شمال شرق خراسان جنوبی قرار گرفته است. این جغرافیای کویری را که می‌توان از آن به عنوان پایتخت زرشک هم یاد کرد، از شمال به شهرستان‌های «خواف» و «گناباد» در سبستان خراسان رضوی، از غرب به شهرستان «سراوان»، از جنوب به شهرستان «بیرجند» و از شرق به شهرستان «زیرکوه» در خراسان جنوبی، محدود است. مرکز این شهرستان، شهر قاین است که در دل دشتی به همین نام، جا خوش کرده است. قاین در مسیر بزرگراه آسیایی مشهد به زاهدان قرار دارد. از این شهر کویری تا مشهد، ۳۷۰ کیلومتر و تا تهران، ۱۳۰۰ کیلومتر راه است. این جغرافیای کویری به گواه اکتشافات باستان‌شناسی، تاریخی ۳۰۰ هزار ساله دارد. «رتاگوانا» نام باستانی این منطقه است. در سفرنامه «سر پرسی سایکس» ژنرال و جغرافیدان انگلیسی، به استناد متسون کهن، آمده که در ۳۲۸ قیل از میلاد، ۱۳ هزار نفر از مدافعان قاینات به مقابله با لشکر انبوه «اسکندر مقدونی» پرداخته‌اند. این سند تاریخی نشان می‌دهد که قاین و قاینات در روزگار باستان، سرزمینی آباد بوده است؛ جغرافیایی که

زرشک پاک‌کنی؛ دورهمی‌های خانوادگی



خانواده حاج صادق هر سال، روزهای برداشت زرشک که می‌شود، به کمک او می‌آیند. دخترها و پسرها و عروس‌ها و دامادها می‌آیند تا در کار زرشک پاک کنی، کمکی کرده باشند. آن‌ها دانه‌های پاک شده زرشک را زیر آفتاب پهن می‌کنند تا خشک بشود. بعد هم نوبت چهارشاخ زدن می‌رسد که کمک می‌کند تا زرشک‌های خشک شده از خار و خاشاک، جدا بشوند و برای روانه شدن به بازار، آماده بشوند.

قدس راهکارهای پخش بین‌المللی فیلم‌های دفاع مقدس را در گفت‌وگو با دو تهیه‌کننده بررسی می‌کند

چرا مردم آلمان و فرانسه ندانند؟

محمد حسین قاسمی، تهیه‌کننده فیلم «شیار ۱۴۳» در این باره به خبرنگار ما می‌گوید: مشکلی که در پخش بین‌المللی آثارمان بویژه در آثار دفاع مقدسی وجود دارد، این است که فرم و محتوای آن‌ها نیاز به عقبه ذهنی دارد در حالی که مخاطب بین‌المللی، این عقبه ذهنی را دربرابر جنگ هشت ساله ایران و عراق ندارد؛ بنابراین اولین ویژگی آثار باید این باشد که جهان موضوع در جهان فیلم گنجانده شود.

او با اشاره به حضور فیلم «شیار ۱۴۳» در ۱۳۱ جشنواره بین‌المللی و بازخورد خوب این فیلم، خاطرنشان می‌کند: یکی از دلایل استقبال از این فیلم در حضور بین‌المللی‌اش این بوده که جهان فیلم، جهان موضوع را تعریف می‌کند و ارجاعات فرامتنی ندارد، اگرچه موضوعاتی از این دست با پایکوت هم مواجه می‌شوند، اما بحث برسر این نیست.

قاسمی در ادامه به پایکوت فیلم‌های دفاع مقدس کشورمان در عرصه بین‌المللی اشاره کرده و می‌گوید: محتوای این فیلم‌ها باید قابلیت همدات‌پنداری در میان مردم دیگر کشورهای دنیا را داشته باشد مثلاً مخاطب شیلیایی هم موضوع فیلم را درک کند، بنابراین نیاز داریم که با نگاه انسانی که زبان مشترکی در دنیاست، موضوع را مطرح کنیم.

زمانی که فیلمش «شیار ۱۴۳» را در ژاپن نمایش دادیم یک ژاپنی با دیدن مادر ایرانی می‌ناوست با مادرائی که فرزندانشان را در جنگ جهانی دوم از دست داده بودند، همدات‌پنداری کند.

بهترین زبان و رسانه، سینماست

به گفته این تهیه‌کننده، آثار ما در فضای بین‌المللی آن طسور که باید بازخورد نداشته است و نهادها و سازمان‌ها بایستی روی این موضوع بیشتر تمرکز کنند تا این آثار در مجامع بین‌المللی مطرح شود چون شناخت کمی از ایران و تاریخ این کشور در بین مردم جهان وجود دارد.

قاسمی تعریف می‌کند: فیلم «شیار ۱۴۳» را در فرانسه و کره جنوبی نمایش دادیم، مخاطبان، موضوع فیلم را درک کرده بودند چون جهان موضوع در جهان فیلم وجود داشت، ولی می‌گفتند که این جنگ چه زمانی اتفاق افتاده است؟ واقعی است یا تخیلی؟ اینقدر نسبت به جنگ هشت ساله ما ناآشنا بودند درحالی که جنگ ما یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های منطقه بود، این نشان از کم کاری رسانه‌ای ما در عرصه بین‌المللی داشت در حالی که بهترین زبان و رسانه، سینماست.

او ادامه می‌دهد: اکثر موضوعاتی که موضوعات ارزشمندی برای سینمایی ما هستند نیازمند این هستند که در فضای بین‌المللی مطرح شوند، فیلم‌هایی همچون «به وقت شام» و «تنگه ابوقریب» فیلم‌هایی با ویژگی‌های خوب هستند که در فضای بین‌المللی می‌توان آن‌ها را مطرح کرد.



اسیما و سینما/ زهره کهندل ا رهبر انقلاب، هفته گذشته در مراسم شب خاطره دفاع مقدس با بیان اینکه دنیا باید عظمت قهرمانان ما را بداند، تأکید کردند: باید برای معرفی قهرمانان، فیلم بسازیم. ایشان یادآور شدند: همین فیلم اخیر آقای حاتمی‌کیا هرچا پخش شد مورد استقبال قرار گرفت؛ چرا در اروپا و آسیا پخش نشود؟ در جشنواره‌های غربی، فیلم‌های ایرانی‌ای پخش می‌شوند که کیفیتشان به‌مراتب کمتر از فیلم‌های دفاع مقدس است، اما یک فیلم دفاع مقدس را نشان نمی‌دهند؛ چون می‌ترسند این فیلم افشاگر پخش شود. پس این، سلاح کار آمدی است؛ چرا استفاده نمی‌کنیم؟ ما باید دست‌به‌کار شویم و برای قهرمان‌هایمان فیلم بسازیم؛ همت، باکری و برخی شخصیت‌های زنده دفاع مقدس، قهرمانند. دنیا باید عظمت این چهره‌ها را بداند.

ایشان در قسمتی دیگر از سخنانشان به لزوم بازنشر حوادث هشت ساله دفاع مقدس در فضای بین‌المللی برای آگاهی بخشی به مردم جهان اشاره کرده و گفتند: امروز غربی‌ها برای تهمت سلاح شیمیایی



محمد حسین قاسمی (تهیه‌کننده «شیار ۱۴۳»): مخاطبان کره‌ای و فرانسوی نسبت به جنگ هشت ساله‌ما ناآشنا بودند، این نشان از کم کاری رسانه‌ای‌مادر عرصه بین‌المللی داشت در حالی که بهترین رسانه، سینماست

نیاز مند تلاش

در دیپلماسی فرهنگی هستیم

قاسمی معتقد است: اکثر آثار سینمایی ایران،

چه چار و جنجالی می‌کنند، اما آن روز صدام اجازه داشت از سلاح شیمیایی نه فقط در جبهه که در شهرها استفاده کند و همین فرانسه و آلمان و شوروی آن روز کمکش می‌کردند…

در دوران دفاع مقدس، ما در محاصره سیاسی و محاصره اقتصادی بودیم که هیچ، در محاصره تبلیغاتی هم بودیم و صدای ما به هیچ جا نمی‌رسید… خب من سؤال این است که چرا مردم آلمان و فرانسه ندانند دولتشان در آن هشت سال چه کرد؟ الان نمی‌دانند و این، کوتاهی ماست. الان دنیا این تصویر رسواکننده نظام سلطه را در مقابل خود نمی‌بیند.

با توجه به فرمایشات و منویات رهبر انقلاب برای نمایش جهانی و انعکاس حوادث هشت سال دفاع مقدس از طریق رسانه‌ها، دربارۀ راهکارهای پخش بین‌المللی فیلم‌های دفاع مقدس با دو تهیه‌کننده سینمای کشورمان که فیلم‌هایشان با موضوع دفاع مقدس در جشنواره‌های مختلف جهانی حضور داشته است، گفت‌وگو کردیم.



موضوعات خوب و اخلاقی‌مداری دارند به نظر می‌رسد که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی باید اهتمامی

برای پخش بین‌المللی این آثار داشته باشند و روی انعکاس بین‌المللی آثار ایرانی تلاش بیشتری کنند. به گفته او با پخش بین‌المللی آثار علاوه بر انعکاس فرهنگ غنی ایرانی و انتقال ارزش‌های انسانی، این آثار می‌تواند درآمذیابی خوبی برای سینمایی کشورمان داشته باشد، اما لازم‌اش این است که در این باره ریزینی شود.

قاسمی که به‌واسطه‌اکران فیلم‌هایش به کشورهای مختلف سفر کرده است، می‌گوید: حضور سینمایی ایرانی در جشنواره‌های بین‌المللی خوب است، اما در ایران عمومی در کشورهای دیگر، ضعیف است و نیاز به کار دارد، چرا کشورهای اطراف ما همچون ترکیه و هند که سینمای قوی ندارند، این فضا را

در اختیار می‌گیرند؟!

مانور دارد، اما محتوایی غنی را در عین سادگی به مخاطب منتقل می‌کند و این ویژگی خوب سینمایی ماست که باید از آن بهره گرفت.

او با بیان اینکه دیپلماسی فرهنگی نیازمند تلاش است، تأکید می‌کند: الان بخش‌کننده‌های پخش خصوصی برای اکران‌های بین‌المللی باید توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت امور خارجه و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی حمایت شوند تا بهتر بتوان از این ظرفیت بهره برد.

بازار جهانی را نمی‌شناسیم

سعید سعدی، تهیه‌کننده فیلم‌های دفاع مقدسی همچون «گیلان» و «روزهای زندگی» درباره راهکار پخش بین‌المللی فیلم‌های دفاع مقدس به خبرنگار ما می‌گوید: مهم‌ترین نکته این است که فیلم باید محتوا و تکنیک خوبی داشته باشد تا برای مخاطب جهانی هم جذابیت داشته باشد.

او مهم‌ترین مشکل را بازاریابی در این عرصه می‌داند و خاطرنشان می‌کند: ما در عرضه آثار مشکل داریم و متولیاتی برای بازاریابی این آثار باید وجود داشته باشند. اگر بخش خصوصی در این زمینه فعال‌تر نشود، در جهت توزیع و بهتر دیده شدن آثار بویژه آثار ارزشی می‌توان توفیق داشت. آنچه اهمیت دارد بحث بازاریابی است در حالی که این موضوع با نقصان‌هایی همراه است.

به گفته سعید، مباحث اخلاقی و انسانی در فیلم‌های دفاع مقدس پررنگ‌تر است و می‌توان از این ویژگی برای اکران‌های بین‌المللی بهره گرفت. وی با اشاره به شرایط اقتصادی نامطلوب داخلی، اکران خارجی فیلم‌های ایرانی را در شرایط کنونی با محدودیت‌ها و دشواری‌های بیشتری همراه دانسته و می‌افزاید: بخش خصوصی از این موضوع کمتر استقبال خواهد کرد، بنابراین متولیان امر بایستی در این باره تدبیر کنند تا با شرکت‌های خارجی ریزینی داشته باشند.

این تهیه‌کننده معتقد است که بازار جهانی را خوبی نمی‌شناسیم و دانش و تجربه ما در پخش بین‌المللی کم است، ضمن اینکه برای این موضوع متولی وجود ندارد. معمولاً کشورهای مقصد برای پخش بین‌المللی آثاری اعلام آمادگی می‌کنند که آن فیلم‌ها، موفقیت‌های جهانی کسب کرده‌اند یا نامزد دریافت جایزه در جشنواره‌های معتبر جهانی شده‌اند که سهم آثار دفاع مقدس در این حوزه، بسیار اندک است.

به باور او، بازار خارجی از بازار داخلی هم سودآورتر است و علاوه بر مزایای فرهنگی آن، می‌توان به بازگشت سرمایه و سودآوری هم امیدوار بود اما تحقق آن نیاز به برنامه‌ریزی از سوی دولت و بخش خصوصی دارد.

سعدی معتقد است که در زمینه حضور بین‌المللی بسیار عقب هستیم و اتفاقاتی که برای فیلم‌هایمان افتاده به خاطر ظرفیت‌های فردی بوده است و مدیریت در این امر تأثیری نداشته در حالی که با تکیه بر توان تولیدی که با حضور نسل جدید سینما، بیشتر شده است، می‌توانیم در عرصه بین‌المللی حضور بهتر و مؤثرتری داشته باشیم.

فکرانزنگر

سینما و سینما

شنبه ۷ مهر ۱۳۹۷

۱۵ | ۱۹ محرم ۱۴۴۰ | ۲۹ سپتامبر ۱۸ | ۲۰ سال سی و یکم | شماره ۸۷۹۲ |

خبر

ادای احترام فاطمه معتمدآریا

به همسر سردار شهید منوچهر مدقق

سینما و سینما: حبیب احمدزاده در سالروز شکست حصر آبادان با بازنشر ویدیویی از فاطمه معتمدآریا و همسر شهید مدقق از فرماندهان شکست حصر آبادان این روز را به همه تبریک گفت.

در این ویدیو فاطمه معتمدآریا پس از اکران فیلم آجان با همسر شهید مدقق خانم ملکی دیدار و به ایشسان ادای احترام کرد. معتمدآریا در این دیدار در حالی که می‌گریست خطاب به همسر شهید گفت: «حش است که درمورد این کتاب یک سناریوی خوب نوشته شود. شما یکی از نمونه‌های هستید که مثل یک معجزه الهی در ذهن من هستید. من مدام زندگی شهید را در ذهنم مرور می‌کنم. شما یک معجزه در زندگی این شهید بودید. خیلی متأسفم که ایشان الان در کنار شما نیستند… خیلی از دیدار شما ذوق زده شدم.»

این ویدیو روز گذشته در فضای مجازی با استقبال مخاطبان قرار گرفت و توسط بسیاری از شخصیت‌های فرهنگی بازنشر شد.

افزایش استقبال مخاطبان

از فیلم‌های تابستان ۹۷ نسبت به سال گذشته

هیزان: تابستان را می‌توان پس از اکران «سوروزی بروق‌ترین فصل سینمای ایران دانست، فصلی که به دلیل تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها مردم با فراغ‌بال بیشتری به سینما می‌روند و صاحبان فیلم‌ها تمایل

زیادی برای اکران فیلم‌هایشان در این فصل دارند.

بر اساس آمار ارائه شده توسط سایت سینما تیکت به عنوان مرجع بلیت فروشی سینماها، امسال سینماها موفق شدند در تابستان ۹۷ با جذب بیش از ۷ میلیون مخاطب، به مجموع فروش بیش از ۶۲٫۵ میلیارد تومان دست یابند و نسبت به تابستان سال گذشته ۳۸ درصد رشد فروش و ۱۵ درصد رشد مخاطب را تجربه کنند.

با این وجود مقایسه آمار نشان می‌دهد فیلم‌های اکران شده در بهار ۹۷ نسبت به تابستان ۹۷ با استقبال بیشتری روبه رو شده بودند. در بهار ۹۷ مجموع فروش سینماها به رقم فوق‌العاده ۸۲٫۴ میلیارد تومان رسیده بود که این رقم در تابستان ۹۷ با کاهش ۲۴ درصدی مجموع فروش و کاهش ۲۷ درصدی مخاطبان مواجه شد.

از دیگر نکات قابل توجه در اکران تابستان ۹۷ تنوع ژانر فیلم‌های اکران شده بود. پس از «هزارپا» و «دشمن زن» فیلم‌هایی نظیر «کاتیوشا» و «دم سرخ‌ها» با فروشی بالای ۲ میلیارد تومان از کم‌دیی‌های پرترفندار فصل بودند. فیلم «خاله قورباغه» به عنوان تنها نماینده سینمای کودک حدود ۲٫۵ میلیارد تومان فروش داشت. فیلم‌های «دارکوب» و «به وقت خماری» و «شعله‌رو» نیز پرترفندارترین درام‌های اجتماعی فصل بوده‌اند که به ترتیب ۲٫۱ میلیارد تومان، ۱ میلیارد تومان و حدود ۹۸۰ میلیون تومان فروش داشتند.

وحید رهبانی بازیگر «بچه‌های گروهان بلال»:

اینترنت ذهن مردم را درگیر کرده است

بانی فیلم: وحید رهبانی که هنوز مخاطبان او را با نقش نیماي سربال «خانه ما» مسعود کرامتی به خاطر دارند این روزها سربال «بچه‌های گروهان بلال» را روی آنتن دارد. در قسمتی از گفت‌وگو

با خبرنگار بانی فیلم او در پاسخ به این پرسش که چرا این روزها دیگر سربال‌های پرمخاطبی مانند «خانه ما» که مورد توجه همه اعضای خانواده بود، ساخته نمی‌شود، گفت: در آن زمان شبکه‌های تلویزیونی کمتر بود و ماهواره هم وجود نداشت، اما من فکر می‌کنم شاید در آن سال‌ها نگاه همه به کار جدی‌تر بود. از طرفی کیفیت کارها فدای کیفیت نمی‌شد، اما الان از نظر کمیت مشکلی نداریم، اما کیفیت را تحت الشعاع قرار داده است. سرعت تولید کارها هم بیشتر شده و همین موضوع روی کیفیت هم تأثیرگذار است. اما به طور کلی از زمانی که اینترنت بخش زیادی از ذهن مردم را درگیر کرد، تلویزیون کم‌رنگ‌تر شده است. البته نه فقط در کشور ما که در تمام دنیا این اتفاق افتاده است.

وی با اشاره به حضور گوشی‌های هوشمند در خانواده‌ها افزود: مردم حتی مقابل تلویزیون روشن هم گوشی در دست دارند و در حال چک کردن کانال‌های مختلف هستند که این امر خیلی تأثیرگذار بوده است. ضمن اینکه «خانه ما» و سربال‌هایی از این دست برای مردم به نوستالژی تبدیل شده است. باید از مدیران و مسئولان پرسید که چرا دیگر چنین سربال‌هایی ساخته نمی‌شوند و دلیل اصلی چیست؟ با این حال فکر می‌کنم صمیمت عجیبی در آن کارها وجود داشت و همه مثل اعضای یک خانواده بودند. شاید یکی از دلایل موفقیت سربال‌های گذشته همین باشد.

چرا دوباره مسابقه میلیونی؟

نسنیم: این خبرگزاری در واکنش به بازگشت دو مسابقه «ستاره باش» و «پنج ستاره» پس از انتقادات و بیسار رسانه‌ها و مخاطبان، نوشت: وقتی اعلام می‌کنند برنده باش و پنج ستاره دوباره به آنتن برگشتند این سؤال پیش می‌آید در شرایط اقتصادی امروز چه ضراری به این مسابقه‌های میلیونی است؟

این همه پرداخت هنری وجود دارد که می‌تواند دستخوش ساخت برنامه و حتی مسابقه‌ای باشد؛ مصداق بارز آن مسابقه هوش برتر، مستند مسابقه فرمانده و خانه ما که موجب مباحثات در طراحی خلاقانه مسابقه در تلویزیون شدند و به مقاصد روشن فرهنگی، اجتماعی و معنوی دست یافتند، اما واقعاً مسابقه‌های میلیونی چه محتوا و چه سرمنزل فرهنگی را به دست می‌آورد و چه دستاوردی را برای جمهوری اسلامی به ارمغان می‌آورد؟ در این شرایط اقتصادی جامعه جایز نیست برنامه‌ها و فیلم‌های فاخر به خاطر نداشتن امکانات مالی ساخته نشوند و با سختی وارد خرجه تولید شوند، ولی برنده باش و پنج ستاره با طراحی سوالات ضعیف جایزه پنجاه میلیونی بدست.

گفت‌وگو

مدیر انجمن علمی فضای مجازی حوزه علمیه:

جریان سازی مؤثر با تولید برنامه در شبکه‌های مجازی ممکن می شود



اولین مؤلفه راهبردی استقلال سخت افزاری است. باید بپذیریم اینترنت متعلق به ما نبوده و یک فناوری وارداتی است و ما بیش از ۹۰ درصد در این فضا وابسته هستیم. در حالی که ما متخصصان خوب و برجسته‌ای در حوزه IT داریم که می‌توانند این‌ن فضا را در دست بگیرند. متأسفانه نگاه کلان در حوزه فناوری وا رفته است وهرچه در حوزه نرم افزار کار کنیم، بی فایده است. نمونه‌اش فیلترینگ تلگرام است که با انواع و اقسام فیلترشکن‌ها ورود به آن ممکن می‌شود. از این رو باید نیروهای انقلابی وارد عرصه شوند و در حوزه IT تصمیمات جدی بگیرند. اگر نگاهی راکه در مورد انرژی هسته‌ای داشتیم در فضای IT هم وارد کنیم، قطعاً همه چیز تغییر خواهد کرد. بنابراین دولت، وزارت ارتباطات و نهادهای مربوط باید وارد میدان شوند و ایجاد شبکه ملی اطلاعات که از مطالبات مهم مقام معظم رهبری است، مورد توجه قرار گیرد چرا که شبکه ملی اطلاعات مصداق کامل استقلال سخت افزاری است و باید روی آن تمرکز کنیم.

روفرهر تصریح کرد: مورد دوم، تولید محتواست. متأسفانه ما در خیلی موارد محتوای خوبی نداریم. این یک فضای رقابتی است و مردم دنبال کیفیت هستند. فضای مجازی در این حوزه پرخوردار نیستند، تحت تأثیر هر چیزی قرار می‌گیرند. شما همین الان هم شاهد هستید که یک عکس می‌تواند چه غوغایی در فضای مجازی راه بیندازد

و دو روز دیگر می‌بینیم که فتوشاپ بوده است. بنابراین برخی اتفاقات در فضای مجازی منجر به شایعه‌سازی و ایجاد بحران می‌شود، بنابراین فناوری، سریع‌تر از ما در حرکت است و باید بموازت آن پیش رفت و به روز شد. مؤسس و مدیرعامل مؤسسه «راهبردی فرانو» با اشاره به آسیب‌ها و تهدیدها و فرصت‌های پیش روی این فضا عنوان کرد: در حوزه تهدیدها چند بحث جدی مطرح است که می‌توان از مهم‌ترین آن‌ها به دسترسی آسان به محتوای مستهجن و غیراخلاقی، سرقت اطلاعات، کنترل و مدیریت ذهن و اعتماد در فضای مجازی اشاره کرد که به نظر همه این‌ها با برنامه‌ریزی اصولی، قابل کنترل و هدایت است.

این عرصه یک چاقوی دودم است

این کارشناس فضای مجازی در پاسخ به این پرسش که این روزها جوانان بسنده‌ای در فضای مجازی دست به تولید محتوا و برنامه‌سازی زده‌اند که تأثیرات قابل توجهی در جامعه داشته است و حتی در مواردی جریان ساز هم بوده‌اند، به نظر شما برنامه‌سازی در فضای مجازی اعم از تولید در فضای فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی چه تأثیری در روشن کردن اذهان عمومی و خدمت به مخاطب دارد، گفت: مقام معظم رهبری فضای مجازی را به صورت توانم، یک فرصت و تهدید قلمداد کردند. ایشان فرمودند این عرصه یک چاقوی دودم است و بستگی دارد که چه استفاده‌ای از آن داشته باشیم. تولید محتوا در این حوزه بسیار مهم است.

همان طور که گفتید، گروه‌های بسیاری در فضای مجازی و شبکه‌های مختلف برنامه سازی‌های مداوم دارند و محتوای به روز و متناسب با اقتضای نیاز مردم تولید می‌کنند و در شبکه‌های مختلفی همچون آپارات، اینستاگرام و… بارگذاری می‌کنند. این کارها بسیار ارزشمند است چرا که جریان ساز است. حقیقتاً بهره‌گیری درست از این فضا یک نعمت بزرگ است، ما موظفیم مسئولان را در راستای مطالبات بحق مردم به چالش بکشیم؛ ضمن اینکه کمپین‌های تأثیرگذاری هم تشکیل شد و اتفاقاً نتیجه هم داد. کمپین‌هایی چون فرزندت جی‌جست؟ یا سؤال از نمایندگان است که چه کسانی در مجلس با چه دلیلی‌ای رأی موافق یا مخالف می‌دهند. این کمپین‌ها از دل همین برنامه سازی‌های اینترنتی درآمده است. این‌ها روش‌هایی مهم و ارزنده در فضای مجازی هستند که باید جدی گرفته شوند.

ارتقای سطح سواد مخاطبان

وی به سومین مؤلفه راهبردی در حوزه مجازی اشاره کرد و گفت: آموزش و آگاهی، سومین حلقه این اتفاق است. باید سطح سواد مردم را بالا برد. سیستم‌های آموزشی اعم از آموزش و پرورش و آموزش عالی، فیلمسازان و اهالی عرصه ورود کنند و هر فعالیتی را در راستای ارتقای سطح سواد مخاطبان انجام دهند. کسانی که آموزش کافی ندیده‌اند و از سطح سواد لازم در این حوزه برخوردار نیستند، تحت تأثیر هر چیزی قرار می‌گیرند. شما همین الان هم شاهد هستید که یک عکس می‌تواند چه غوغایی در فضای مجازی راه بیندازد

زیر آسمان شهر

استخوان همدیگر را دور نیندازد!



ایستگاه / امید ظرافتی در شبکه‌های مجازی صحبت از این است که اگر خدایی نکرده، زبانه لال و رویم به دیوار، توی کشور قحطی بیاید، ما مردم گوشت که سهل است، پوست و استخوان همدیگر را هم می‌خوریم! این را من نمی‌گویم ها! حرف اهالی فضای مجازی است. بهانه‌شان هم برای این حرف‌ها عکس هموطنانی است که هجوم برده‌اند به فروشگاه‌های مواد غذایی و قفسه‌ها را خالی کرده‌اند. بهانه‌شان عکس مردی است که حدود پنجاه بطری روغن در سبد خریدش گذاشته و عکس‌های مشابه شاید هم بهانه شان کافی است که یکی از فروشگاه‌های مواد غذایی پشت قفسه هایش چسباند است با این مضمون: «از فروش اجناس فروشگاه بیش از ۲ عدد مغزوریم!»

نمی‌خواهم مثل خیلی‌ها برایتان مثال بیاورم از کشورهایی که بعد از گرانی، بازار را تحریم کرده‌اند و در نتیجه قیمت‌ها شکسته شده است. این چیزها را می‌گذارم به عهده اهالی متفکرتر فضای مجازی، اما وقتی عکس و فیلم‌های هجوم هموطنان به فروشگاه‌های مواد غذایی را می‌بینم از خود می‌پرسم دلیل گرانی و وضعیت بلیشوی اقتصادی هم‌ماش اقتصادی و سیاسی است یا بخشی از آن زیر سر خودمان است؟! از خودم می‌پرسم، چند برابر شدن یکباره برخی از کالاهای اساسی مگر می‌شود هم‌ماش زیر سر آمریکا و تحریم هایش باشد و ما مردم و هجوم هیجان زده مان به فروشگاه‌ها در افزایش قیمت‌ها بی‌تقصیر باشیم؟ وقتی همه چیز فـت و فراوان و به اندازه قبل توی بازار یافت می‌شود، وقتی دلیل منطقی‌ای برای اینکه بخواهیم حرف از قحطی بزنیم وجود ندارد، صب بستن جلوی فروشگاه‌ها اگر حاصل زناخت‌های رسانه‌های آن طرف آبی که دائم حرف از قحطی و انبار کردن کالاهای اساسی می‌زنند، نباشد پس چیست؟ پدیده «احتکار خانگی» اگر حاصل جوزدگی خیلی از ما نباشد پس چیست؟

کاش کسانی که حرف از خوردن گوشت و پوست می‌زنند، کمی به تاریخمان نگاه می‌کردند. به همین ۳۰ سال پیش، به جوان‌هایی که جانشان را گذاشتند کف دستشان و رفتند جنگ به مردمی که داشته‌ها و نداشته‌هایشان را راهی جبهه‌ها کردند. آن وقت می‌فهمند اگر زبانه لال کار به آنجایی که حرفش را می‌زنند هم برسد، پیدا می‌شوند خیلی از آن‌هایی که حاضرند گوشت از تن خودشان بکنند تا همسایه‌شان گرسنه نماند!

تانکر

وارد گود شویم!



ایستگاه / رقیه توسلی یک روز که از خانه می‌زنید بیرون، کافی است دور و برتان را خوب ورنانز کنید از رزه چراغ قرمزها و عابران و ترافیک و اتومبیل‌ها بگذرید و فقط روی لشکر ماشین‌های یک نفره زوم کنید. روی خیابان‌هایی که فرقی خودروهای تک سرنشین شده‌اند تازه آنجاست که واویلاي شهر دست‌تان می‌آید؛ همان وقت که حساب و کتاب می‌کنید چند دفعه خودتان هم دست اندر کار و مسبب این چشم‌انداز بوده‌اید! شریک قصه خودروهای تک سرنشین! همان ساعات است که سر می‌چرخانید سمت آسمان و آلودگی هوا... سمت کدروی ابرها و هزینه‌های گزافی که آگزوزها دارند روی دست شهرها می‌گذارند. سمت حکایتِ مغرب و بزرگی که نمی‌شود بی‌خیالش شد و زیرسبیلی رذش کرد.

حالا ایسن روزها نصف جهانی‌های بزرگوار، آن نگاه ژرف مسورد نیاز را انداخته‌اند و با همه اماها و اگرها، امند پای کار... پای سامان دادن ترافیک اصفهانی‌ها با همت شرداری شان، دست به کار فرهنگی قابل تأملی زدن. بی جریمه و توبیخ و پلیس و اعمال قانون با لباس‌های رنگین و پلاکارد «نه به خودروهای تک سرنشین» وارد میدان شدند.

این هشدار یا تلنگر یا هرچه که بشود اسمش را گذاشت، کار فرهنگی - تبلیغی جالبی است که بیننده را به فکر و آ می‌دارد. و بی‌شک به تغییر موضع، آنچه که مسلم است نه فروری، اما در دراز مدت اثر گذار بوده و از سان دادن اتومبیل‌های یک نفره در سطح شهر خواهد کاست.

وجود مستتر این گونه طرح‌ها و فعالیت‌ها با پشتوانه مجریان دلسوز در آینده، کارگر خواهد افتاد و به فال نیک باید گرفت این ایده‌های راهگشا را که عدم حضورشان مدام احساس می‌شود. به گمان این روزها، اتومبیل سواران اصفهانی چشم شان عجیب بی این زرد و سبز و قرمز پوشان و تکه کاغذشان می‌گردد. همین‌ها که آمده‌اند با «نه» گفتن‌های محترم، حال شهر را خوب کنند و خیابان‌ها را از جولان دود و بوق و خودروی اضافه نجات بدهند و بگویند زیاده عرضی نیست جز اینکه چهارچرخ‌های آهنی گوش به فرمان‌اند اگر شهروند حقوقان و سره راهی باشیم! شاید برای نجات از دست سیل ماشین‌ها که کم و بیش همه مان به آن مبتلا شده‌ایم یک راهش این باشد که به اندازه کافی ببینیم. بعد وارد گود حمایت از «نه به خودروهای تک سرنشین» بشویم. وارد چرخ‌های که قدم‌های اولش، آسان نیست.

گزارش از شخص

صرفاً جهت اطلاع!

«محمد دلوری» این روزها چه می‌کند؟

ایستگاه / مجید تربت زاده ممکن است من و شما به خاطر صدا و لحن همراه با آرامش، نمکی که توی حرف زدنتش بود و ساختار شکنی‌هایی که در اجرا و پرداختن به اخبار هفتگی داشت، دلمان برایت تنگ شده باشد و دوست داشته باشیم «محمد دلوری» را بیشتر و بیشتر ببینیم. اما «دلوری» نسخه سال ۹۷ با «آقای صرفاً جهت اطلاع» هفت یا هشت سال پیش که مدت‌ها اطلاعی از او در دست نبود، خیلی تفاوت دارد. اگرچه هنوز هم از آن چهره فتوژنیک و جدیت توی چهره‌اش که نمی‌گذاشت شوخی هایش را جدی نگیریم، چیزهایی باقی است اما «محمد دلوری ۹۷» حالا کتاب هم می‌نویسد، گاهی فلانگیرانه در یک برنامه تلویزیونی، مجری می‌شود، می‌سرس و کله‌اش در شبکه «ایران کالا» پیدا می‌شود و بعضی وقت‌ها هم مدت‌ها غیبتش می‌زند و جلوی دوربین پیدایش نمی‌شود. او دیروز به یکی از خیرگزارها گفت: «حس می‌کنم همین قدر هم که هستم، زیادی‌ام... احساس می‌کنم کسی که زیادی در تلویزیون و در چشم مردم است، خودش را بی‌خودی مصرف می‌کند. بنابراین باید به کنار بروی تا مردم دوباره حس کنند که تو باید بیایی و حضور داشته باشی...»

کاکل زری سابق

پسر کاکل زری حاج آقای «دلوری»، سال ۵۲ در تهران به دنیا آمد و همه فکر می‌کردند چند سال دیگر می‌رود وردست پدرش توی بازار تهران، گذر «لوطی صالح» و آداب حجره داری و بازاری شدن را می‌آموزد و برای خودش یک دیگرن فکر کرده بودند پیش ترفت، چون حالا و در ۴۵ سالگی، نه می‌شود نشانی از «بازاری» بودن را در زندگی‌اش پیدا کرد و نه اثری از آن کاکل‌های کودکی را روی سرش! «دلوری» گفته است: «فرزند ناخلف این خانواده من بودم که به جای نسیستن در حجره پدر، یا در حال تماشای نقش و نگار کاشی های چهارسوق بزرگ بودم یا ورق زدن کتاب‌های کتابخانه مسجد امام. در خانه فقط کتاب قرآن و رساله آقای گلپایگانی را ورق می‌زدم و چنان عطشی به کلمات داشتم که تا شعری با آواز از تلویزیون پخش می‌شد تند تند می‌نوشتمش با هزار غلط، حضرت مادر که نگران کودک بی‌عقلش بود، می‌پرسید: چرا این‌ها را می‌نویسی...؟ تصور کنید وقتی که در ماه‌های آخر دبستان کمی از خانه دور شدم و روی بساط کتاب فروش محله، کتاب‌ها را ورق زدم، سرم گیج رفت. همه همان شعرها که من می‌خواستم حفظشان کنم توی آن کتاب جلد سیاه جمع شده بودند و رویش به زرکوب نوشته بودند، دیوان حافظ...»

معدل ۱۲ و ۲۵ صدم!

کودک دیروز بازار تهران، به نوجوانی که رسید، متوجه شد دنیا چیزها و جاهای دیگری جز کاشیکاری‌های چهارسوق بزرگ، کتابخانه مسجد امام، اشعار رادوی و تلویزیون، دیوان حافظ و... هم دارد. او حالا جادوی سینما را شناخته بود، مجلات سینمایی را می‌خواند، عاشق کارگردانی بود و البته به درس خواندن و دانشگاه هم فکر می‌کرد و لابد اینکه مثلاً در آینده برود کارگردانی سینما بخواند. خانواده حاج آقا و حاج خانم «دلوری» اما سنتی تر فکر می‌کردند و «سینما» را هم اگر «قرتی بازی» نمی‌دانستند، فقط به عنوان یک سرگرمی «دیدنی» قبول داشتند نه یک رشته مقدس‌علاقه دارم و درباره آن مطلب می‌نویسند. او هم گفت بیا دفتر تا با هم صحبت کنیم... آنجا رفته و نوشته‌های

از نگاه «محمد دلوری» یعنی اینکه بچه زرنک‌های آن زمان، ریاضی می‌خواندند و بیجه تیل‌ها را هم اجباری می‌فرستادند رشته علوم انسانی. آن‌هایی که نه زرنک بودند و نه تیل باید رشته‌های را انتخاب می‌کردند و راهی را می‌رفتند که کمی تا قسمتی کلاس داشته باشد و موجب سرفاکنندگی خانواده نشود! «دلوری» هم مجبور می‌شود برای خواندن رشته شیمی وارد دانشگاه شود. بی‌خبر از اینکه این رشته و مدرک دانشگاهی‌اش بعدها نه تنها به دردش نمی‌خورد که معدل ۱۲/۲۵ اش، ماهی دوسه‌سر هم می‌شود! سال ۹۱ بود که برخی سایت‌ها، کارنامه دوره کارشناسی او را منتشر کردند و زیرش با کنایه به سبک «صرفاً جهت اطلاع» نوشتند: محمد آقای دلوری که الان در حین اشتغال داره کارشناسی ارشد علوم سیاسی می‌خونه تا پیش از این با کارشناسی شیمی آن هم با معدل درخشان ۱۲ به شغل شریف خبرنگاری مشغول بوده!

کمی مانده به ۲۰

اجازه بدهید ما به سبک و سیاق سایت‌های زرد نویس یا آن‌هایی که قصد داشتند با انتشار معدل دوره کارشناسی «دلوری» تلاقی نیشگون‌هایی را که او در «صرفاً جهت اطلاع» از این و آن گرفته بود در آورند، دیگر خیلی پایبچ دوران تحصیلش نشویم و به ادامه زندگینامه و سرگذشتش بپردازیم. فقط این را یادآور شویم که «دلوری» در واکنش به انتشار معدلش، کارنامه تحصیلی دوره کارشناسی ارشدش را منتشر کرد که فقط ۷۳ صدم با ۲۰ فاصله داشت و زیرش هم نوشت: «بی‌هیچ علاقه‌ای در نوجوانی شیمی خواندم، خواندن با اعمال شاقه بود چون تمام حواس من بی ادبیات و فلسفه و سینما بودن و به جای کلاس درس، با تپوتم من نسیست‌های فرهنگی و تحریریه رسانه‌ها... بیه زحمت لیسانس گرفتم... کمال نادانی است دانش آدم‌ها را از روی اعداد کارنامه تحصیلی‌شان بستنجیم... هرچند این دوستان خودشان قادرند به سادگی در تمام وجوه زندگی ما سرک بکشند، گفتم بد نیست این کارنامه ارشد من را هم داشته باشند...». ققواوش با شما اما او مدعی است چه امروز و چه زمانی که «آقای صرفاً جهت اطلاع» بود، اصراری به گرفتن و بزرگنمایی گاف‌های این و آن نداشت بلکه معتقد بود: «مسئله ما در این برنامه، نقد مصائبی است که مثل خوره از درون ما را می‌پوساند، قرار مسا این بود که به ناهنجاری‌های زیربنایی بخندیم و مردم در حال لیخند زدن، به درک عمیق‌تری از جامعه و فرهنگ خودشان برسند.»

با هم کنار نیامدند

بزرگمرد دوم زندگی‌اش در جوانی «شهید آوینی» بود. پس از شریعتی با نوشته‌ها و فیلم‌های «آوینی» دمخور بود و خودش می‌گوید شهادت او نقطه عطف زندگی‌ام بود. به جز این‌ها، شیمیدان فراری از شیمی، سرش توی کتاب‌های فلسفی و غیر فلسفی مطهری، فردید، سروش، شایگان، داوری و... بود و همدمش موسیقی سنتی و لیوان‌های چای که لابد زود به زود پر و خالی می‌شدند. نتیجه این دوره از زندگی‌اش این بود که بعدها پیش به روزنامه‌ها باز شد و بیشتر در صفحات اندیشه و فرهنگی آن‌ها قلم زد. روزنامه‌نگار شدنش هم داستانی دارد که خواندنش خالی از لطف نیست: «آقای مرتضی سرهنگی را در نمایشگاه کتاب دیدم... رفته پیش او و گفتیم که خیلی به دفاع مقدس علاقه دارم و درباره آن مطلب می‌نویسند... او هم گفت بیا دفتر تا با هم صحبت کنیم... آنجا رفته و نوشته‌های

را بردم که اگر الان آن را بخوانیم، خنده‌ام می‌گیرد... او چنان نوشته کودکنام را تمجید کرد که بال در آوردم... از آنجا مرا به روزنامه کیهان فرستادند... ساور نمی‌کردم بتوانم کنار کسانی چون شکرخواه و صدیقی بنشینم... آن روزها من جوانی بودم محبوب، با ریش‌های بلند، در خود فرورفته، مثل بودای عابدی بودم که وسط میدان توپخانه رها کرده‌اند... کمترین درکی از سیاست نداشتم و منزوی حتی مقاله که می‌نوشتیم، اسمم را پیش نمی‌گذاشتم و فکر می‌کردم این منبت و تکبر است و من باید خودم را از منبت رها کنم... مدت‌ها هم چیزی نمی‌نوشتیم و فقط ویرایش می‌کردم... به قسمت اندیشه رفتم... کم کم منزوی شدم و نتوانستم با کار کنار بیایم... نه من با کیهان کنار آمدم و نه کیهان با من...»

دیوانه خانه و کف خیابان

اینکه چطور خبرنگار و «دلوری»‌ای شد که ما می‌شناسیم، مربوط به آغاز دهه ۸۰ است. وقتی برای مصاحبه به صدا و سیما فراخوانده شد، از او پرسیدند: «به سیاست علاقه دارید؟» بی‌رودر بایستی جواب داد: «خیر... کدام آدم عاقلی در فرهنگ را هم شکوکش‌ها می‌کنند و می‌رود دنبال سیاست؟» مصاحبه کننده با تعجب گفت: «شما قرار است در معاونت سیاسی مشغول به کار شوی!» به هر حال و به قول خودش آن‌ها، اظهار فضل و نظرش را زیر سبیلی در کردند و «دلوری» در صدا و سیما استخدام شد. بقیه‌اش را از زبان خودش بشنوید: «در حوزه فرهنگی و اجتماعی مشغول به کار شدم و اولین گزارشم هم متعلق به آدمی بود که زیر یک بیلپورد زندگی می‌کرد... آن روزها خبرنگار برتر کسی بود که خبرنگار رئیس جمهور باشد اما آن قدر امثال من و کامران نجف زاده در دیوانه خانه‌ها و کف خیابان گشتیم و حرف‌های شاعرانه زدیم که قصه کاملاً وارونه شدند. آرام آرام به هم گزارش‌های عجیب و غریب امثال من علاقه‌مند شدند...»



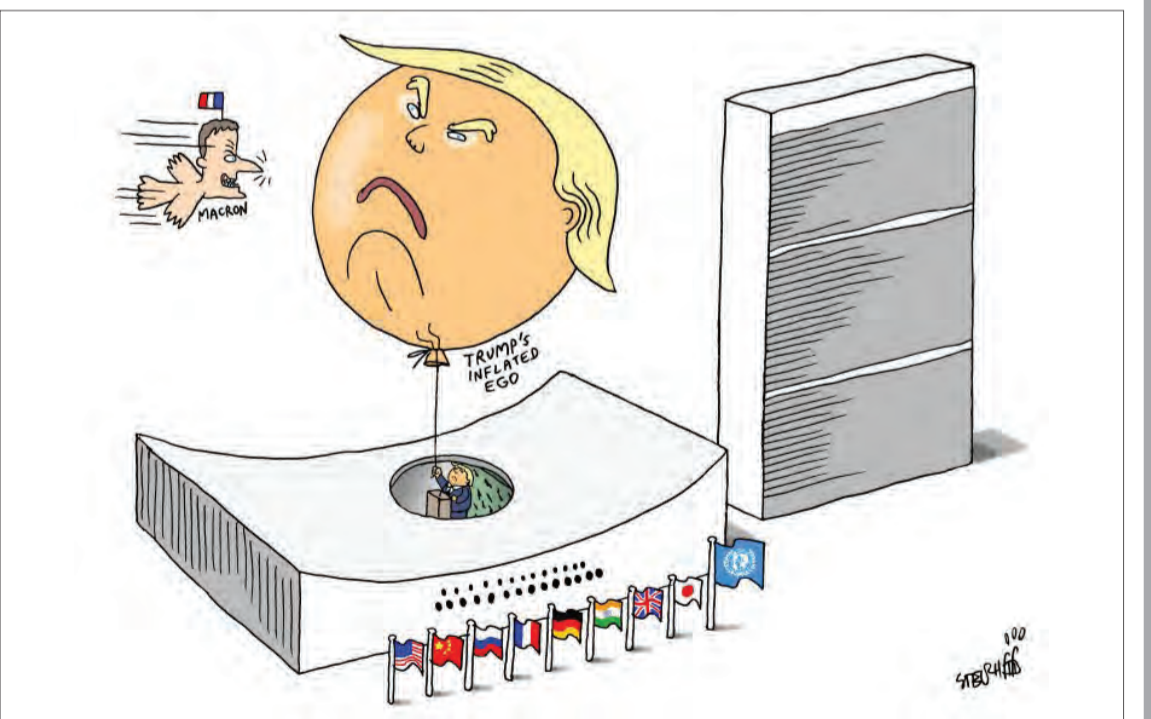
با نظام در افتادی؟

جرعه «صرفاً جهت اطلاع» وقتی در ذهنش زده شد که مدیر واحد مرکزی خبر گفت، باید یک بسته خبری ببندیم و با خبرها شوخی کنیم. همین شد که ایده «صرفاً جهت اطلاع» در ذهنش شکل گرفت. انگار مدت‌ها منتظر همین فرصت بود. متن را نوشت و وقتی همکارانش آن را خواندند بعد از کلی تعریف و تمجید گفتند: «... ولی حیف که این قابل پخش نیست!» دست بر قضا همان متن تبدیل شد به اولین «صرفاً جهت اطلاع» و پخش هم شد. اولین کسی که بعد از پخش به او زنگ زد، پدرش بود. «محمد» آماده شده بود که پدر با ذوق و شوق تعریفش را بکند که مثلاً: آفرین... آفرین... بازاری نشدی اما خبرنگار و گوینده خوبی شدی... اما اشتباه می‌کرد. آقای پدر با ناراضی گفت: «چه شده؟ چرا داری این کار را می‌کنی؟ چرا با نظام درافتادی؟ من رفته مستجد همه می‌گویند پسر ت با نظام درافتاده...» بعدها که «دلوری» و برنامه‌اش جا افتاده و پرطرفدار شدند، اگرچه پدرش دیگر زنگ نزد اما بیننده‌هایی بودند که با زنگ زدن هایشان، آمان آقای مجری را بریدند. مثل کسی که گفت: آقا... این بیخ کارتل پڑو... اینکه زیر ماشین بسته می‌شه... این اخیراً نایاب شده... نیست... اینو توی تلویزیون بگو لطفاً!

شاید وقتی دیگر

نه اینکه به قول پدرش، ضد نظام شده بود و نه آیتمی که در آن شرکت کنندگان در یک همایش رسمی را نشان می‌داد که به خواب رفته‌اند و همزمان لالایی «گنجشک لالا...» روی فیلم پخش می‌شد. دلیل رفتنش از ایران نبود او پس از آنجا، برنامه، خبرنگار صدا و سیما در بلژیک شد و جایش را به کامران نیف زاده داد. از سال ۹۵ هم «صرفاً جهت اطلاع» بدون «دلوری» که به اعتقاد برخی کارشناسان، خط کاری و خبری‌اش را گم کرده بود، تعطیل شد تا شاید وقتی دیگر با طرخی تازه و سبکی تازه‌تر برگردد!

طرح روز



او یک استیون برای ا

اعتماد به سقف ترامپ!

ایستگاه / خنده حضار در ابتدای سخنرانی «ترامپ» در سازمان ملل، زمانی که ادعا کرد دستوردهای دولتش در عرض دو سال بیشتر از دستوردهای هر دولتی در تاریخ آمریکا بوده است، تاز اول ماجرا بود و بعد از آن، مواضع تند کشورهای مختلف از جمله فرانسه علیه صحبت‌های ترامپ و بعد از آن واکنش منفی رسانه‌ها به بخش‌های مختلف سخنرانی رئیس جمهور آمریکا آغاز شد. نشریه «ویک» هم با انتشار کاریکاتوری از لفاظی‌های «ترامپ»، آقای رئیس جمهور را حساسی جلانده است! نشریه «ویک» در جدیدترین کاریکاتورش با اشاره به صحبت‌های تند «مانوئل مکرون» رئیس جمهور فرانسه علیه سخنرانی «ترامپ» به اعتماد به نفس کاذب رئیس جمهور آمریکا کنایه زده است. «مانوئل مکرون» در واکنش به سخنرانی «ترامپ» در بخشی از سخنرانی‌اش گفته بود: چه چیزی واقعا ما برای حل شرایط ایران کمک می‌کند؟ قانون جنگل و فشار یکطرفه؟ وظیفه ما دامن زدن به تنش‌ها نیست، بلکه باید برنامه گسترده‌تری را سرلوحه کارمان قرار دهیم تا نگرانی‌های جامعه‌تری را پوشش دهد. اگر هر کشور منافع خود را دنبال کند، این سیاست به ازروا می‌انجامد. در شرایطی که «امپ» در سخنرانی‌اش خواستار کنار گذاشتن سیاست «جهانی‌سازی» شده بود، «مکرون» در بخش دیگری از سخنرانی‌اش با ادبیاتی طعنه‌آمیز و با اشاره به خروج آمریکا از برجام گفته بود: منبای پیشرفت در موضوع ایران، برجام بود! رئیس جمهور فرانسه همچنین به صحبت‌های «ترامپ» درباره سفارت آمریکا در بیت‌المقدس هم واکنش نشان داده و با انتقاد از سیاست ترامپ درباره انتقال سفارت آمریکا به بیت‌المقدس گفته بود: «حید قیاد مشروع دستیابی فلسطینی‌ها به پایتخت خود در اورشلیم را به رسمیت بشناسیم. قانون قوی‌ترین‌ها؛ همه چیز را به هم زده است.» نشریه «ویک» با اشاره به صحبت‌های «مکرون» او را به صورت پرنده‌ای به تصویر کشیده که به سمت یادبادک بزرگ اعتماد به نفس ترامپ حمله می‌کند!

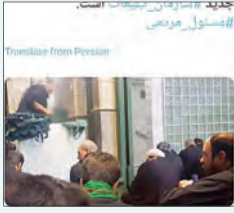
مجاز آباد

نظام آموزشی طبقاتی



اینگونه مدارس مخالف نیستیم. ولی ارقام چند ده میلیونی ثبت نام‌ها را که می‌شنوم نگران می‌شوم. نگران طبقاتی شدن نظام آموزشی کشور! ظاهراً همه جناح‌ها هم در مالکیت و مدیریت این مدارس دستنی بر آتش دارند! حداقل انتظار افکار عمومی، شفاف سازی در عملکرد مالی آنان و نحوه نفوذ صاحبان‌شان در تصمیم سازی‌های کلان وزارت آموزش و پرورش است.»

مسئول مردمی



رئیس جدید سازمان تبلیغات اسلامی یکی از همین مسئولان است. یکی از کاربران فضای مجازی با انتشار تصویر آقای قمی در یک هیئت مذهبی نوشته است: «صبح عاشورا آمده بود روضه حاج منصور. کفش‌هایش را درون کیسه گذاشت و بی‌تکلف در چهارچوب در ورودی روی سطح ناهاورم جلوی پله‌های وضوخانه نشست. مسئول مردمی یعنی این!»

قدر کتاب‌های دفاع مقدس را بدانید



ایستگاه / کانال نوجوان از کانال‌های وابسته به دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای است که با انتشار مطالب جذاب توانسته مخاطبان زیادی را به خود جذب کند. کانال نوجوان بتازگی بخشی از بیانات رهبر انقلاب را در خصوص توصیه به مطالعه کتاب‌های دفاع مقدس منتشر کرده که در ادامه، آن را می‌خوانید. کانال نوجوان نوشت: «رهبر معظم انقلاب اسلامی: من به جوانان امروز -بخصوص نوجوانان- موکدا توصیه می‌کنم کتاب‌هایی را که شرح و گزارش گویش‌های از جنگ هشت ساله است، قدر بدانند و آن‌ها را بخوانند زیرا حقایق زیادی در آن کتاب‌ها بازگو شده است. همین خاطرات خواندنی و عبرت‌آموز است.»